

نقش ورزش در توسعه روابط خارجی کشورهای اقتصاد نوظهور (بریک)

مهدی شریعتی فیض آبادی^۱، میثم رحیمی زاده^۲، مهدی دستگردی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۵

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مطالعه تطبیقی مبتنی بر مدل بردی دیپلماسی ورزشی در کشورهای بریک و مقایسه آن با وضعیت دیپلماسی ورزشی در ایران بود؛ پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی بود که با بررسی بیش از ۵۰ مقاله، کتاب، یادداشت، خبر و ... طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷ با استفاده از روش بردی انجام شد. برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز متون انگلیسی و فارسی تا پایان سال ۲۰۱۸ میلادی جمع‌آوری شد؛ یافته‌های پژوهش نشان داد کشورهای دارای اقتصاد نوظهور (برزیل، روسیه، هند و چین) با ارائه برنامه‌ای جامع و در قالب استفاده از ورزشکاران، مربیان، داوران و حتی ورزش دانشجویان به دنبال تحقق اهداف کلان سیاسی خود در بستر ورزش

۱- استادیار دانشگاه فنی و حرفه‌ای، دانشکده تربیت‌بدنی امام علی (ع) صفادشت (نویسنده مسئول)

Email: mahdishariatifeiz@gmail.com

۲- استادیار گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

۳- دانشجوی دکتری و مدرس دانشکده تربیت‌بدنی امام علی (ع) صفادشت

هستند؛ حال آنکه تصمیم گیران جمهوری اسلامی ایران از ورزش به عنوان پدیده‌ای صرفاً برای سرگرمی و تفریح استفاده و هنوز به «علاقه‌مندی» بجای «ادراک» از فضای ورزش جهان بسنده کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد نوظهور، قدرت نرم، دیپلماسی ورزشی، تطبیقی، کشور

مقدمه

شاید تعبیر مارکوویتس و رنسمن^۱ (۲۰۱۰) در کتاب «بازی با جهان»^۲ مینی بر قرار گرفتن «جهان به عنوان بخشی از ورزش» کمی اغراق آمیز است، اما به راستی می‌توان گفت که امروزه جامعه جهانی با ورزش پیوندی جدایی ناپذیر دارد. در این بین اگر به تعریف جامعه جهانی به خوبی دقت نماییم «گروهی از دولت‌ها با منافع و ارزش‌های مشترک» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲، ص: ۵۴) پرواضح است که ورزش بزرگ‌ترین ارزش مشترک جوامع امروز سبب شد تا فارغ از هرگونه رنگ قومی و نژادی، تحقق دهکده‌ای به واقع جهانی با شتابی روزافزون صورت گیرد (سجادی، ۱۳۹۱، ص: ۱۰۴). از پروپاگانداي نازی در المپیک تابستانی ۱۹۳۶ برلین تا «المپیک قرن» در ۲۰۰۸ پکن، ورزش همواره به عنوان ابزاری در دست قدرت‌های جهان بوده تا علاوه بر نمایش قدرت، غرور ملی و میهن پرستی خود را نیز تقویت نمایند (شریعتی و ناظمی، ۱۳۹۶، ص: ۱۶۸)؛ صرف نظر از پیشینه تاریخی ورزش در گسترش صلح و جلوگیری از دشمنی‌های میان کشورها، ورزش و ظرفیت‌های مختلف جهانی‌اش ابزار قدرتمندی است که دولت‌ها می‌توانند به صورت گسترده از آن برای پیشبرد خواسته‌ها و منافع ملی و سیاسی‌شان

1-Markovits & Rensmann

2- Gaming the World

استفاده کنند و از ظرفیت‌های پیدا و پنهان آن سود ببرند (نایگارد و گیتس^۱، ۲۰۱۳، ص: ۲۴۹). این موضوع تا آنجا اهمیت دارد که گفته می‌شود در روابط بین‌المللی نوین دیپلماسی ورزشی تأثیرات بسیار سودمندی برای دولت‌ها دارد، به‌طوری که کشورها با استفاده هوشمند از دیپلماسی ورزشی می‌توانند نفوذ فرهنگی خود را در راستای اهداف سیاسی‌شان گسترش دهند و همچنین ارزش‌هایشان را به نمایش بگذارند و حتی با استفاده از دیپلماسی ورزشی صلح را پرورش دهند (مرکل^۲، ۲۰۰۸، ص: ۳۰۸). از دید مورای^۳ (۲۰۱۲) اگرچه ورزشکاران با ترشح آدرنالین با چهره و ژست آرام دیپلمات‌ها متفاوتند؛ اما هیاهوی استادیوم‌های ورزشی با جو آرام و مصلح دیپلمات‌ها یک وجه تشابه دارد؛ ورزشکاران به دور زمین می‌دوند و دیپلمات‌ها به دور میز می‌نشینند تا اهداف و منافع ملی را محقق سازند. گریکس و پاستلتویت^۴ (۲۰۱۶) در پژوهش خود ۴ دلیل را برای ورود ورزش به روابط بین‌الملل طی نیم قرن گذشته گزارش کرده است:

۱- ورزش می‌تواند صدای یک ملت را رساتر به گوش سایر سیاستمداران برساند و نقش مکمل برای سیاست‌های دولت‌ها را داشته باشد.

۲- رویدادهای بزرگ ورزشی برای ملت میزبان، فرصت‌های مهم دیپلماتیک عمومی را مهیا می‌نمایند.

1- Nygard & Gates
2- Merkel
3- Murray
4- Grix & Postlethwaite

۳- سومین دلیل این است که دولت‌ها دیگر به ورزش به چشم پدیده‌ای اضافه^۱ یا مکانی بکر^۲ نمی‌نگرند. امروز ورزش به نوعی قدرت مطلق تبدیل شده و یکی از ابعاد ۶ گانه جهانی شدن را به خود اختصاص داده است؛ فدرر، بکام و مسی^۳ نمونه بارز این موضوع برای حکومت‌ها هستند.

۴- دیپلماسی رشته‌های ورزشی به حکومت‌ها اجازه می‌دهد تا انعطاف‌پذیری قابل توجهی را در زمانی که روابط دیپلماتیک آن‌ها ضعیف یا قوی است، در آن سوی وضعیت سیاسی از خود نشان دهند؛ تعاملات دیپلماسی ورزش مسیری نرم برای کشف تغییرات سیاسی محتمل است. آن‌ها مسیرهای جایگزین برای گفتگو میان ملل و افراد ناآشنا ایجاد و در مواردی ابزاری برای تحریک یا تنبیه یک ملت را فراهم می‌آورند.

ورزش نمونه مطالعاتی مهمی برای جامعه جهانی امروز به شمار می‌رود. از یک سو نقش آن در تحکیم روابط میان کشورها و از سوی دیگر نقش ابزاری این پدیده در جهت سنجش و مقایسه کشورها با یکدیگر باعث شده تا امروزه پژوهشگران از ورزش به عنوان مؤلفه‌ای جدانشدنی از تمامی ارتباطات و تعاملات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای مختلف جهان یاد کنند (شریعتی، باقری و نظریان، ۱۳۹۵، ص: ۸۲۰). ورزش کیفیتی بی‌مرز دارد و تمامی حکومت‌ها به آن علاقه‌مند هستند؛ در حالی که ژرمن‌ها، ایالات متحده و ژاپنی‌ها رهبران این حوزه هستند، سایر کشورها سعی می‌نمایند تا از آنان پیروی نمایند. دیپلماسی ورزش به فهم

1- Niche

2 -Backwater

3-Messi, Beckham & Federer

بهرتر بین‌الملل و دوستی‌ها کمک و کلیشه‌ها و تعصب را از بین می‌برد. ورزش ابزاری «کم‌خطر، کم‌هزینه و پرمحتوا» برای فعالیت‌های دیپلماتیک است (پیگمن و راف^۱، ۲۰۱۴، ص: ۱۰۹۵).

ورزش به صورت شفاف با «تصویر» و «برند» یک دولت در ارتباط است و با ایجاد غرور ملی از طریق دستاوردهای مختلف و ایجاد هویتی خاص بر روی صحنه بین‌المللی که برای سایرین نیز جذاب است موجبات «ساخت ملی» را فراهم می‌آورد (شریعتی، باقری و نظریان، ۱۳۹۵، ص: ۸۲۰). یک رویداد می‌تواند تداعی کننده تصویر یک کشور باشد مانند رالی توردو فرانس یا تصویر یک شهر را در اذهان بازنمایی سازد مانند مسابقات دوی ماراتن که هر ساله در نیویورک انجام می‌شود؛ رویدادها و مسابقات ورزشی به خودی خود مایه برند شدن و شهرت یک شهر یا کشور نمی‌شود، بلکه انعکاس رسانه‌ای این مسابقات است که باعث قرار گرفتن آن‌ها در ذهن مردم جهان می‌شود (پریش^۲، ۲۰۱۸، ص: ۹).

در واقع ماهیت تأثیرگذاری ساژکتیو^۳ ورزش بدان این امکان را می‌دهد که تا با استفاده از رسانه با هزینه‌ای کمتر از سرمایه‌گذاری در ابزارهای سخت همچون نیروی نظامی، سیاست خارجی مورد نظر دولت را به پیش برد (خیری، ۱۳۹۶، ص: ۱۵). «ملت ورزشی» یکی از تصاویر بود که استرالیا پیش، در خلال و بعد از بازی‌های المپیک از خود برجای گذاشت. بنا به گزارش کمیسیون گردشگری استرالیا ماحصل برگزاری موفق المپیک ۲۰۰۰ برای استرالیا بهبود تصویر ملی استرالیا به اندازه ۱۰ سال بود که این خود نشان‌دهنده «مدیریت تصویر» صحیح توسط

1- Pigman & Rofe

2- Parrish

3- Subjective

برگزارکنندگان این مسابقات بود (رو^۱، ۲۰۱۸، ص: ۱۶). کینگ^۲ و همکاران (۲۰۱۳) پوشش خبری دو روزنامه «تایمز لندن» و «نیویورک تایمز» از وضعیت برگزاری بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ از ژانویه ۲۰۰۷ تا دسامبر ۲۰۰۸ بررسی کرده‌اند. مقایسه درصد موضوعات ذکر شده درباره چین در روزنامه تایمز لندن در بین سال‌های ۲۰۰۲-۳ و ۲۰۰۷-۸ در جدول زیر آمده است:

موضوعات	سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳	سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸
اقتصاد/دیپلماسی	۲۴	۱۰/۵
سیاست	۲۳/۸	۲۴/۷
حقوق	۹/۷	۲/۸
سلامت/تغذیه	۳/۵	۴/۲
فرهنگ/هنر/آموزش	۳/۳	۱۴/۸
نظامی	۲/۷	۰
رشته‌های ورزشی	۸/۴	۳/۵
فناوری	۲/۴	۰
مردم	۶/۹	۷/۷
محیط‌زیست	۰/۸	۶/۳
بازی‌های المپیک	۰	۱۴/۸
موضوعات اجتماعی	۳/۷	۵/۶
سایر	۱۰/۹	۴/۹

در جام ملت‌های آسیا در سال ۲۰۰۴ که در چین برگزار می‌شد، بازیکنان ژاپن در هر مسابقه‌ای با پیام‌های دشمنانه تماشاگران چینی مواجه می‌شوند؛ چینی‌ها در ورزشگاه‌ها سرودهای

1- Rowe

2- Qing & et al

ضد ژاپنی سر می‌دادند و با نشان دادن بنرهای که بر روی آن‌ها نوشته شده بود «به تاریخچه خود نگاه کنید و از مردم آسیا عذرخواهی نمایید» (گیاه‌شناس، ۱۳۹۲، ص: ۷۶) ایشان را تحقیر می‌کردند.

ستر فیلد^۱ (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان «قدرت نرم؛ استفاده از دیپلماسی ورزش به منظور ایجاد شبکه‌ای جهانی برای توانمندسازی زنان و دختران» در مجله دیپلماسی عمومی، معتقد است توانمندسازی زنان و دختران از طریق ورزش در سه حوزه زیر صورت می‌گیرد:

۱) نماینده رشته‌های ورزشی: که شامل اعزام مربیان و ورزشکاران برای ارائه خدمات به جوانان است.

۲) بازدیدکنندگان رشته‌های ورزشی: دعوت زنان و ارائه خدمات به مربیان و جوانان در ایالات متحده به منظور تعاملات فرهنگی

۳) برنامه نظارتی رشته‌های ورزشی جهانی ایالات متحده: ظهور زنان به عنوان رهبران رشته‌های ورزشی جهان با پیشگامی زنان آمریکایی در این حوزه اتفاق می‌افتد.

گریکس و هولیهان (۲۰۱۴) نیز با بررسی برزیل و هند به عنوان دو کشور اقتصاد نوظهور گزارش کردند که برزیل با میزبانی جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۴ و بازی‌های المپیک در سال ۲۰۱۶ و هندوستان نیز از طریق میزبانی بازی‌های کشورهای مشترک‌المنافع در سال ۲۰۱۰ توانست پرستیژ بین‌المللی خود را افزایش دهد، حال آنکه از سوی دیگر کشورهای کوچک حوزه

1- Satterfield

خلیج فارس مانند قطر (جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲) و بحرین (مسابقات فرمول ۱) نیز توانستند از بستر ورزش برای ایجاد پرستیژ بین‌المللی استفاده نمایند و خود را بر روی نقشه جهان مطرح نمایند. لولا داسیلوا^۱ رئیس‌جمهور برزیل در نامه‌ای به بلاتر (رئیس فیفا) چهار سال پیش از برگزاری جام جهانی می‌نویسد (کاسترو، ۲۰۱۳):

«بلاتر عزیز من! ما ملتی عاشق فوتبال و ورزش هستیم؛ آن‌چنان‌که عاشق زندگی هستیم و معتقدیم آن‌چنان‌که زندگی زیباست می‌تواند همواره نیز بهتر شود؛ اگر ما برای زندگی بجنگیم و در مقابله بی‌عدالتی سکوت ننماییم! ما به قدرت ورزش برای ایجاد همبستگی میان زنان و مردان و از بین بردن تعصبات اعتقاد داریم».

کاسترو^۲ (۲۰۱۳) نیز در پژوهشی راهبرد برزیل برای «پیروزی بر قلوب و اذهان» از طریق ورزش و فوتبال را در سال‌های اخیر و میزبانی بازی‌ها و رویدادهای مختلف ورزشی از قبیل جام کنفدراسیون‌های فیفا (۲۰۱۳)، بیستمین قهرمانی دوندگان حرفه‌ای جهان (۲۰۱۳)، جام جهانی فوتبال (۲۰۱۴)، بازی‌های المپیک و پارالمپیک (۲۰۱۶)، پانزدهمین دوره بازی‌های پان آمریکن و پاراپان آمریکن (۲۰۰۷)، پنجمین دوره بازی‌های نظامی (۲۰۱۱) را موجبات افزایش قدرت هوشمندانه این کشور می‌داند. چا^۳ (۲۰۱۳) در پژوهشی با مطالعه دیپلماسی ورزشی کشورهای کره، چین و روسیه و جایگاه بازی‌های آسیایی در نشریه بین‌المللی تاریخ ورزش، ضمن مروری کوتاه به بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن به نقش بازی‌های آسیایی در از میان بردن مرزهای ایجاد

1- Lula Da Silva: ۲۰۱۱ تا ۲۰۰۳ سال‌های رییس‌جمهور برزیل طی

2- Castro

3- Cha

شده در دوران پایانی جنگ سرد در آسیا اشاره می‌کند. وی در ادامه ورزش را به عنوان یک «نشان ملی» می‌داند تا دولت‌ها و سیاست‌ها بتواند اجتماعی تأثیرگذار باشند و از این راه به اهداف خویش دست پیدا نمایند. گریکس (۲۰۱۳) مهم‌ترین اهداف بریتانیا از برگزاری میزبانی رویدادهای ورزشی بخصوص المپیک ۲۰۱۲ لندن را در موارد زیر خلاصه کرده است:

- افزایش گردشگران
- رشد سرمایه‌گذاری داخلی و افزایش صادرات
- افزایش خودباوری نخبگان سیاسی کشور
- نمایش تمایز و تفاوت میزبان با سایر قسمت‌های جهان
- بهبود و تقویت حس وطن‌پرستی و هویت ملی

گریکس و هولیهان (۲۰۱۴) ضمن مقایسه بازی‌های جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان و المپیک تابستانی ۲۰۱۲ لندن، آلمان‌ها را در استفاده از سیاست از ورزش در قرن بیستم میلادی نقش مهمی داشته‌اند؛ آن‌ها در ۲ دوره نازیسم و آلمان غربی سوشالیست – کمونیست از این موضوع به‌خوبی بهره گرفتند. ایشان سه دلیل برای موفقیت آلمان در برگزاری جام جهانی ۲۰۰۶ فوتبال گزارش کردند:

۱. ارائه اطلاعات و آگاهی بخشیدن مناسب به مردم کشور در راستای مزایای میزبانی
۲. نگرش هوادار محور توسط کمیته بازی‌ها که به‌خوبی توسط ژرمن‌ها پذیرفته‌شده بود
۳. آب و هوای بسیار خوب طی ۴ هفته برگزاری این بازی‌ها

مورای^۱ (۲۰۱۳) کشورهای بریک^۲ را کشورهایی می‌داند که دارای رشد اقتصادی سریع در حد فاصل دهه دوم هزاره جدید بوده و از میزبانی رویدادهای ورزشی برای شکوفایی و توسعه هرچه بیشتر اقتصاد خود استفاده می‌نمایند:

سال ۲۰۰۸ = چین میزبان بازی‌های المپیک تابستانی بود

سال ۲۰۱۰ = هند میزبان بازی‌های کشورهای مشترک‌المنافع بود

سال ۲۰۱۴ = روسیه میزبان بازی‌های المپیک زمستانی بود

سال ۲۰۱۴ = برزیل میزبان جام جهانی فوتبال بود

سال ۲۰۱۶ = برزیل میزبان المپیک تابستانی

سال ۲۰۱۸ = روسیه میزبان جام جهانی فوتبال خواهد بود

مورای (۲۰۱۳) در پژوهشی دیگر ۵ فایده میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی برای استرالیا را این‌چنین خلاصه کرده است:

۱. موفقیت در رویدادهای ورزشی باعث می‌شود تا توده عظیمی از اجتماع به‌ویژه جوانان میل و اشتیاقی بیشتری به ورزش نشان دهند و در نتیجه جامعه‌ای بهتر و پویاتر ساخته شود.
۲. برگزاری این مسابقات سودآور بوده و ورود گردشگران را افزایش می‌دهد.
۳. برگزاری این مسابقات ورزشی «حسی خوب» به مردمان شهر برگزارکننده می‌دهد.

1- Murray

2- BRIC (Brazil, Russia, India, China)

۴. بازسازی شهری از این طریق با سرعت بیشتری پیگیری می‌شود.

۵. روابط بین‌الملل و جذابیت ملی افزایش می‌یابد که تمام این موضوعات «قدرت نرم» را بیش از گذشته به رخ جهانیان می‌کشد.

اشریک و همکاران^۱ (۲۰۱۷) در فصل هفتم کتاب خود با عنوان «مطالعات موردی در ورزش» به بررسی نقش ورزش در توسعه روابط دیپلماتیک ایران با ایالات متحده آمریکا پرداخته است؛ ایشان در این فصل به تفصیل جام جهانی فوتبال در سال ۱۹۹۸ را مورد بررسی و در ادامه به مطالب جان مارکس نویسنده وقت آمریکایی که درباره بازی ایران و آمریکا قلم زده بود پرداخته است؛ او بازی جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه و عکس یادگاری ابتدای این بازی فوتبال را به عنوان سیاسی‌ترین مسابقه فوتبال در ادوار جام جهانی فوتبال می‌داند؛ در قسمت دیگری از این کتاب به شرایط پیچیده صدور روادید و ... در زمان برگزاری مسابقات بین‌المللی میان ورزشکاران ملی‌پوش این دو کشور اشاره شده است.

در پژوهش‌های داخلی نیز تاکنون مقالات اندکی پیرامون حوزه دیپلماسی ورزشی و ورزش بین‌الملل چاپ شده است؛ احمدی پور و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «مفهوم‌سازی ژئوپلیتیک ورزش» در فصلنامه ژئوپلیتیک، تقویت ملی‌گرایی، تقویت حس قلمروخواهی، توسعه جهانی شدن، تقویت هویت‌های دیگر ملی را در کنار بروز ژست‌های ژئوپلیتیکی، انزوای ژئوپلیتیکی، ارتقای منزلت ژئوپلیتیکی، رواج فعالیت‌های تروریستی، تقویت همگرایی و تضعیف واگرایی را از مهم‌ترین کارکردهای ورزش نامید؛ باران چشمه و ریسی (۱۳۹۴)، در یکی از

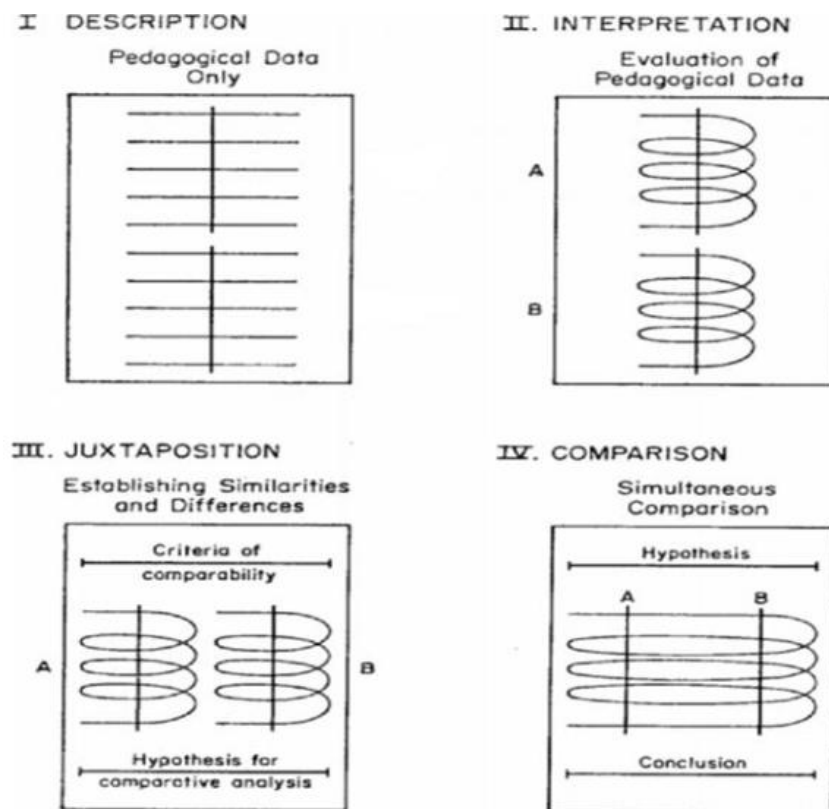
معدود منابع فارسی موجود درباره ورزش بین الملل نظامیان، در هفت فصل به تاریخچه، مسابقات، عناصر، ساختار و تشکیلات، رشته های ورزشی، وضعیت ایران و در نهایت ساختار تربیت بدنی نیروهای مسلح پرداخته است. شریعتی فیض آبادی و گودرزی (۱۳۹۴) در پژوهشی به این مفهوم پرداختند که سیاستمداران ورزش جمهوری اسلامی ایران، می خواهند؟ می دانند؟ یا می توانند چگونه از ورزش به عنوان ابزاری در توسعه روابط دیپلماتیک خود استفاده که در انتهای پژوهش آمیخته خود به این نتیجه رسید که ایشان به دلیل فقدان ادراک ورزشی و صرفاً علاقه مندی به ورزش نتوانسته اند قبل و پس از پیروزی انقلاب به خوبی از دیپلماسی ورزشی استفاده نمایند. شریعتی فیض آبادی (۱۳۹۴) نشان داد که دستگاه های بزرگ و کوچک مرتبط با امر ورزش و سیاست خارجی ایران آن طور که باید از ظرفیت جهانی ورزش در جهت پیشبرد مقاصد سیاسی بهره نبرده اند. اکثر فعالیت ها حاشیه ای و تصادفی بوده و این کار به شکل علمی، مستمر و برنامه ریزی شده نبوده است. بعلاوه بخش دیپلماسی ورزشی ایران یک متولی مشخص با برنامه های مدون از پیش هدف گذاری شده ندارد.

پس از گذشت حدود دو قرن از عصر طلایی دیپلماسی، امروزه ورزش را به عنوان بخشی از زندگی اجتماعی جهان مدرن می دانند؛ در سال های اخیر بحث دیپلماسی ورزش در جمهوری اسلامی بیش از پیش پررنگ شده است؛ اختصاص برنامه هایی خاص با محوریت موضوع دیپلماسی ورزشی در کنار نگارش مقاله ها و کتاب های علمی پیرامون این موضوع ورزش را به عنوان ابزاری مؤثر در توسعه تعاملات بین الملل معرفی کرده است؛ در این میان نکته حائز اهمیت آن است که تصمیم گیران سیاسی ایران چگونه می توانند از ورزش نه به عنوان پدیده ای

نمایشی بلکه راهبردی کم‌هزینه، پرمخاطب و اثربخش در توسعه روابط خارجه ایران استفاده نمایند. با گذراندن دوران پسابرجام و رسیدن به مقطع «پساتحریم» ایالات‌متحده در اوایل سال ۲۰۱۹ میلادی و آماج حملات رسانه‌ای و تبلیغاتی علیه ایران، بیش از پیش نیاز به ابزار و اهرم‌های غیرسیاسی و مطلوب مردم احساس می‌شود؛ تحریم‌های گسترده دو نوبتی ایالات‌متحده در مردادماه و آبان ماه ۱۳۹۷ موجب شده تا ورزش جمهوری اسلامی ایران نیز مورد آسیب و تهدید واقع شود تا جایی که بسیاری از اعزام‌های ورزشی به دلیل مشکلات و تنگناهای اقتصادی تحریم لغو گردد؛ در این میان جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان دولتی که مدعی فرا رفتن از مرزهای نخبگی و دارای رسالت جهانی برای همه مردمان است، ناگزیر از تطبیق با فضای جدید شبکه‌ای جوامع بشری در سازوکارهای سیاست خارجی خود است. از این‌رو طی چند سال گذشته دولت‌ها در تلاش بوده‌اند که سوگیری دستگاه دیپلماسی خود را صرفاً معطوف به هیئت حاکم بر کشور مقابل نساخته و سازه‌های اجتماعی و ذهنی مردم آن را نیز متأثر سازند. ایجاد تحول در این سازه‌ها نیازمند به‌کارگیری ابزار نوینی است که ماهیتی متفاوت از دیپلماسی سنتی دارد. دیپلماسی ورزش یکی از این ابزارهاست که توان مشروع سازی اهداف ملت‌ها را دارا است و در نتیجه نیل به اهداف سیاست خارجی را با سهولت بیشتری ممکن می‌سازد. لذا پژوهش حاضر در نظر دارد تا ضمن بررسی کارکردهای دیپلماسی ورزشی در کشورهای منتخب ضمن ادبیات سازی پیرامون دیپلماسی ورزشی در روابط خارجه جمهوری اسلامی ایران، تصمیم گیران سیاسی ایران را به استفاده بهینه از این ابزار ترغیب نماید.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر پژوهشی کاربردی است که در سال ۱۳۹۷ با بررسی بیش از ۵۰ مقاله، کتاب، یادداشت، خبر و ... طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷ با استفاده از روش بردی انجام شد. این روش از چهار مرحله توصیف، تفسیر، هم‌جواری و مقایسه تشکیل شده است (شکل ۱). در مرحله توصیف پدیده‌های تحقیق بر اساس شواهد و اطلاعات یادداشت‌برداری و تدارک‌های کافی برای بررسی و نقادی در مراحل بعدی آماده می‌شود. در مرحله تفسیر اطلاعات جمع‌آوری شده در مرحله اول واریسی و تحلیل می‌شوند. در مرحله هم‌جواری اطلاعاتی که در مرحله قبل آماده شد به‌منظور ایجاد چهارچوبی برای مقایسه و تفاوت‌ها طبقه‌بندی و در کنار هم قرار می‌گیرند و در نهایت در مرحله مقایسه مسئله تحقیق با توجه جزئیات در زمینه شباهت و تفاوت‌ها و دادن پاسخ به سؤالات تحقیق بررسی و مقایسه می‌شوند.



شکل ۱. مدل بردی (آنترا، ۲۰۱۷: ص: ۳۱)

برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز متون انگلیسی و فارسی تا پایان سال ۲۰۱۸ جمع‌آوری شد؛ جستجوی الکترونیکی با استفاده از پایگاه‌های فارسی و انگلیسی زبان گوگل اسکالر، ساینس دایرکت، نورمگز، مگیران، سید^۲ و ... و با استفاده از واژه‌هایی مانند «قدرت نرم»، «دیپلماسی»، «دیپلماسی ورزشی»، «دیپلماسی ورزشی»، «دیپلماسی فرهنگی» و ... جستجو و کلیه مقالات مرتبط وارد مطالعه شدند.

1- Sofia Antera

2- Google Scholar, Science Direct, Noormags, Magiran, SID

یافته‌های پژوهش

به‌منظور گردآوری داده‌ها به کشورهای دارای اقتصاد پیشرفته (ایالات متحده، ژاپن، استرالیا) و کشورهای اقتصاد نوظهور (روسیه، چین) در کنار کشورهای همسایه ایران مانند ترکیه توجه شده است که توانسته‌اند از ورزش به‌عنوان ابزاری برای توسعه اقتصاد سیاسی خود استفاده می‌نمایند؛ در ادامه داده‌های مورد نظر گردآوری، طبقه‌بندی و به‌صورت جدولی در زیر ارائه گردیدند:

جدول ۱. راهبردهای دیپلماسی ورزشی در کشورهای منتخب

کشور	راهبردهای استفاده از دیپلماسی ورزشی
استرالیا	استرالیا را می‌توان نمونه‌ای کامل در استفاده از دیپلماسی ورزشی به‌عنوان ابزاری در اختیار سیاست خارجه دانست؛ دپارتمان تجارت و امور بین‌الملل (دی. اف. ای. تی)^۱ متولی اصلی مدیریت دیپلماسی ورزشی در وزارت خارجه این کشور می‌باشد؛ این دپارتمان در تلاش است تا با استفاده از ورزش، ارتباطات و تعاملات خود با سایر کشورها به‌ویژه کشورهای برزیل، کره جنوبی، ژاپن، روسیه، پرو و کشورهای خاورمیانه را بیش از پیش تقویت نماید. بعلاوه این کشور در سال ۲۰۱۵ علاوه بر انتشار اولین برنامه راهبردی چهارساله رسمی دیپلماسی ورزش خود تا سال ۲۰۱۹، تلاش کرد تا از ورزش در مسیرهای ذیل استفاده نماید:

1- Department of Foreign Affairs and Trades (DFAT)

ارتباط مردم و مؤسسات مختلف مرتبط با ورزش با یکدیگر: استرالیا تلاش دارد تا از ورزش به عنوان ابزاری دیپلماتیک به منظور تقویت خود رد منطقه هند و پاسیفیک استفاده نماید؛ در چشم انداز سند راهبردی دیپلماسی ورزش، ارتباط مردم با یکدیگر به ویژه با مردم سایر کشورهای منطقه هندو پاسیفیک به عنوان یکی از نکات اساسی این سند آمده است:

نمایش استرالیا به مردمان جهان از طریق ورزش: تصویر استرالیا پس از برگزاری المپیک ۲۰۰۰ سیدنی (المپیک سبز) کشوری موفق در میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی است؛ علاوه بر سهم ۳ درصدی ورزش از تولید ناخالص داخلی این کشور، استرالیا امروزه به عنوان «ملت ورزشی» جهان مشهور است. ورزش استرالیای امروز توانسته است این کشور را فضایی «آزاد برای تجارت» معرفی نماید.

حمایت از خلاقیت و تحقق انسجام از طریق ورزش: انعقاد تفاهم نامه های ورزشی، برنامه اتحاد و انسجام رشته های ورزشی، خلاقیت رشته های ورزشی برنامه نظارت رهبران رشته های ورزشی: به منظور تقویت ارتباطات رهبران نوظهور، شرکای بخش های مدیران و متخصصان فنی حوزه ورزش با یکدیگر

تقویت ورزش به منظور توسعه استرالیا

بورسیه رشته های ورزشی استرالیا

برنامه نظارت رهبران رشته‌های ورزشی دلایل موفقیت استرالیا در ورزش را در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد: • آب و هوای مطبوع • تسهیلات عالی • حمایت قوی دولت • انستیتو ورزش استرالیا (کارخانه مدال طلا)	
ژاپنی‌ها همواره در منطقه آسیا پاسفیک با چین و کشورهای آ.سه. آن مانند فیلیپین، اندونزی و تایلند بر سر انرژی و مسائل اقتصادی تنازعات بسیاری داشته‌اند؛ تا پیش از جنگ جهانی دوم رهبران ژاپن به دلیل استفاده بیش از حد از سخت‌افزار نظامی تصویر و برند این کشور را به عنوان ملتی استعمارگر و جنگجو در عرصه بین‌الملل معرفی کرده بودند؛ پس از جنگ جهانی دوم و به دنبال شکست رهبران ژاپنی تصویر و اعتبار این کشور در عرصه بین‌الملل بیش از پیش تخریب شد؛ این مسئله در کنار کابوس حملات هسته‌ای سبب شد تا ژاپنی‌ها به فکر استفاده از قدرت نرم افتاده و در ۱۹۵۲ هم‌زمان با عضویت در سازمان ملل متحد برای میزبانی بازی‌های المپیک ۱۹۶۴ نیز نامزد شوند که مورد موافقت کمیته بین‌المللی المپیک قرار گرفت؛ المپیک ۱۹۶۴ نقطه عطفی در بازگشت ژاپن به جامعه بین‌الملل بود چرا که بیش از ۷۵ هزار نفر از ۹۸ کشور	ژاپن

جهان برای دیدن این مسابقات وارد توکیو شدند؛ از آن زمان تاکنون ژاپنی‌ها از راهبردهای مختلفی به‌منظور استفاده از ورزش در راستای توسعه دیپلماسی عمومی خود استفاده نموده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. تأسیس بنیاد ژاپن^۱ در ۱۹۷۲ به‌عنوان مهم‌ترین مرکز تعاملات فرهنگی و ورزشی و راه‌اندازی ۱۹ دفتر در ۱۸ کشور جهان تا به امروز ۲. تشکیل جی لیگ^۲ در ۱۹۹۲ و حضور مربیان و بازیکنان خارجی مطرح مانند فیلیپ تروسیه، زیکو، زاکرونی و ... از کشورهای فرانسه، برزیل، ایتالیا و ... ۳. میزبانی مشترک جام جهانی ۲۰۰۲ و نمایش دیپلماسی موفق فوتبال با کره جنوبی به‌رغم مشکلات دیرینه دو کشور ۴. ترانسفر موفق بازیکنان به سایر کشورها مانند هیده توشی ناکاتا به ایتالیا و استفاده از وی در مراسم فرهنگی ژاپن در ایتالیا ۵. رسانه‌ای سازی تحولات ورزشی داخل کشور مانند جی لیگ و لیگ جودو در کشورهای فیلیپین، مالزی و اندونزی ۶. انجام بازی‌های دوستانه در کشورهای هدف به‌خصوص کشورهای آ.سه. آن، چین و کره جنوبی	
--	--

1- The Japan Foundation

2- J League

۷. تشکیل شورای عالی ورزش ژاپن^۱ و تلاش این شورا برای عقد تفاهم‌نامه با نهادهای بین‌المللی ورزش از جمله آی.او.سی	
هیلاری کلینتون را می‌توان یکی از تأثیرگذارترین تصمیم‌گیران سیاسی امریکا در حوزه قدرت هوشمندانه و به‌ویژه دیپلماسی ورزش نامید؛ وی با مطرح کردن اصطلاح قدرت هوشمندانه در زمان وزارت خود در وزارت خارجه امریکا، به دنبال محقق ساختن تمامی منافع ملی ایالات‌متحده با استفاده از تمامی ابزار دیپلماتیک بود. به‌صورت کلی می‌توان دو کارکرد عمده ورزش برای ایالات‌متحده متصور شد: ۱) ورزش به‌عنوان ابزاری برای سلب مشروعیت: در این شیوه دستگاه دیپلماتیک این کشور می‌کوشد تا هزینه‌های دخالت نظامی را کاهش و از ورزش به‌عنوان ابزاری برای تحریم و جریمه سایر کشورها استفاده نماید مانند آنچه در المپیک ۱۹۸۰ مسکو اتفاق افتاد. ۲) ورزش ابزاری برای تقویت تعاملات دیپلماتیک؛ نمونه بارز این موضوع را می‌توان ظرفیت ارتباطی اجتماعی ورزش در زمان جنگ سرد به‌وضوح دید؛ پس از آن و به‌ویژه در زمان ریاست جمهوری کلینتون دستگاه دیپلماسی عمومی وزارت امور خارجه ایالات‌متحده با مطرح کردن برنامه «رشته‌های ورزشی متحد» در اداره آموزش و فرهنگ این وزارتخانه برنامه‌های مختلفی را برای بهره‌برداری از ظرفیت ورزش تدوین که در زیر به آن‌ها اشاره شده است:	ایالات‌متحده

استفاده از ورزش به منظور تقویت روابط دیپلماتیک: مانند دیپلماسی بیس بال با کوبا، پینگ پنگ با چین و یا کشتی و فوتبال با ایران

بورسیه های تحصیلی: مانند بورسیه های سیاسی برای ورزشکاران نخبه خارجی مانند برنامه های مرکز فولبرایت که در آن با همکاری انجمن ملی ورزش دانشگاهی ورزشکاران نخبه جوان شناسایی و برای ادامه تحصیلی در خاک امریکا به آن ها بورسیه داده می شود.

گردشگری ورزشی: سه شهر شیکاگو، لوس آنجلس و لاس وگاس به ترتیب مهم ترین مقاصد گردشگری ورزشی ایالات متحده هستند؛ آمریکایی ها با کسب میزبانی های متعدد در رشته های ورزشی تلاش دارد تا با بهره گیری از میراث این بازی ها و جذب گردشگر بیشتر، اقتصاد خود را بیش از پیش شکوفا نماید.

مشارکت فعال و مداوم در ابر رویدادهای ورزشی مانند المپیک زمستانی که سبب شده تا بسیاری از ورزشکاران این کشور رکورددار و امریکا به عنوان قطب اصلی بازی های المپیک تابستانی و زمستانی مطرح باشد.

سفیران ورزشی: اعزام ۱۳۰ ورزشکار به ۴۰ کشور طی سال های ۲۰۱۵-۲۰۱۸ بازدید کنندگان ورزشی: پذیرش ورزشکاران و سفیران ورزشی سایر کشورها از جمله روسیه، کره شمالی، بلاروس، چین و ...

صنعت سرگرمی ورزش: بسیاری از فیلم های سینمایی پیرامون رشته های ورزشی

مانند بوکس، هاکی، بسکتبال، بیس بال و ... به دنبال ارائه پیامی خاص به مردم و به ویژه جوانان جهان هستند؛ به عنوان نمونه فیلم هالیوودی «بچه میلیون دلاری» که بوکسور زنی را به عنوان شخصیت اصلی در خود داشت توانست ۴ جایزه اسکار را از آن خود کند. فیلم رویاهای حلقه^۱ فیلمی کلاسیک درباره بسکتبال است که تلاش دارد تا فارغ از رنگ پوست و طبقه اجتماعی افراد به بیننده این موضوع را القا نماید زمانی که شما به هدفی والاتر متعهد می شوید می توانید به نتایج چشمگیری دست پیدا نمایید؛ این دقیقاً همان مفهوم «رویای آمریکایی» مشهور در اذهان مردم جهان است.

رسانه ای کردن ورزش بین الملل: آمریکایی ها از رسانه به عنوان ابزاری کم هزینه برای حل و فصل منازعات خود استفاده می نمایند و به عنوان نمونه با پخش NBA از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی توانسته اند برای خود در عرصه جهانی

برگزاری میهمانی های ورزشی در سفارتخانه های ایالات متحده در سایر کشورها در روزهای جشن شکر گذاری، چهارم جولای، کریسمس و ... و دعوت از ورزشکاران کشور میزبان

شرکت ورزشکاران در فعالیتهای خیرخواهانه: به عنوان نمونه ۵ ورزشکار آمریکایی ۲۸۲ کیلومتر را در شمال اتیوپی با پیامی پیرامون اطلاع رسانی درباره ایدز دویند و برای بیماران آن کشور کمک جمع کردند.

پس از ۱۵ سال ناکامی ترکیه در کسب میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی مانند بازی‌های المپیک تابستانی و قهرمانی فوتبال اروپا، امروزه ترکیه به‌عنوان کشوری با جاذبه‌های گردشگری متفاوت شایسته میزبانی ابر رویدادهای ورزشی در جهان شناخته‌شده است؛ تصمیم گیران سیاسی ترک و در رأس آن‌ها رجب طیب اردوغان را می‌توان یکی از روسای جمهور با ادراک بالا از فضای ورزشی در جهان نامید؛ در یکی از آخرین تلاش‌های او برای کسب میزبانی بازی‌های المپیک ۲۰۲۴، طی دو روز ۱۸ ساعت مذاکره با اعضای اجلاس کمیته بین‌المللی المپیک در بوینیس آیرس آرژانتین انجام داد تا بتواند آن‌ها را برای رأی اعتماد به استانبول متقاعد نماید؛ اگرچه این کشور در رقابت با کشورهای آلمان (یورو ۲۰۲۴)، ژاپن (المپیک تابستانی ۲۰۲۰) و پاریس (المپیک ۲۰۲۴) برای میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی بازنده بود اما احتمالاً استانبول به‌عنوان شهری در حال توسعه بتواند میزبانی یورو ۲۰۲۸ را تصاحب نماید. ترک‌ها در کنار انگیزه‌های مختلف اقتصادی خود برای میزبانی رویدادهای ورزشی مختلف در چند سال اخیر، همواره از برگزاری مسابقات رشته‌های ورزشی مختلف به‌منظور تسهیل روابط با کشورهای هم‌جوار خود از جمله ارمنستان، یونان و سوریه بهره برده است. به‌عنوان نمونه دیپلماسی فوتبال این کشور با ارمنستان یکی از نمونه‌های موفق استفاده دیپلماتیک از ورزش	ترکیه

برای ترکیه است.

با وجود امضاء قرارداد آتش‌بس در ماه مه سال ۱۹۹۴ مابین ایروان و باکو، مرزهای مشترک ترکیه و ارمنستان همچنان بسته ماند. بسته ماندن این مرزها با توجه به عدم دسترسی مستقیم ارمنستان به آب‌های آزاد، از نظر اقتصادی برای ایروان دارای نتایج منفی قابل ملاحظه‌ای بوده است. در روز هفتم سپتامبر سال ۲۰۰۸، ترکیه و ارمنستان در مرحله مقدماتی فوتبال جام جهانی در ایروان، پایتخت ارمنستان روبروی هم قرار گرفتند. حضور غیرمنتظره عبدالله گل، رئیس جمهوری وقت ترکیه در ورزشگاه به آن مسابقه رنگ سیاسی خاصی بخشید. یک سال پس از آغاز دیپلماسی فوتبال مابین دو کشور همسایه، ایروان و آنکارا به عادی‌سازی روابط دو جانبه رضایت داده‌اند. اوزساری و همکاران^۱ (۲۰۱۷) تمرکز دیپلماسی ورزشی ترکیه را بر موارد زیر خلاصه می‌نمایند:

- توسعه تعاملات با سازمان‌های بین‌المللی ورزشی
- تقویت تصویر ملی
- استفاده از فناوری رسانه
- معرفی سفیران ورزشی به جامعه جهانی
- توسعه و تقویت حضور در کمیسیون‌های مختلف اروپایی

چینی‌ها در تاریخ تعاملات خود با سایر کشورها همواره به‌خوبی از ورزش به‌منظور تقویت سیاست خود بهره‌مند شده‌اند و نمونه بارز آن را نیز می‌توان در خلال دیپلماسی پینگ‌پنگ با ایالات متحده و ژاپن دید؛ تا ۱۹۴۹ چینی‌ها به دلیل آشوب‌های خانگی و جنگ جهانی دوم نتوانستند در عرصه بین‌الملل ورزش فعالیت خاصی داشته باشند؛ از آن زمان تا به امروز این کشور به‌رغم مواجهه با معضلی بنام تایوان در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، توانست از ورزش به‌عنوان اهرمی برای (۱) دیپلماسی انقلابی خود، (۲) کسب مشروعیت بین‌المللی و در نهایت (۳) تسهیل‌کننده روابط بین‌الملل استفاده نماید. گانگ فو^۱ (بازی‌های قدرت‌های نوظهور آسیایی) اوج استفاده دیپلماتیک چین از ورزش به‌عنوان ابزاری انقلابی بود؛ در حالی که بازی‌های آسیایی ۱۹۶۲ جاکارتا به دلیل ویزا ندادن این کشور به ورزشکاران صهیونیستی و تایوانی توسط IOC لغو شد، اندونزی با حمایت چین مسابقات گانفو را با تمرکز بر کشورهای آسیایی و شمال آفریقا راه‌اندازی کرد تا کمیته بین‌المللی المپیک را به‌عنوان نهادی در دست امپریالیسم جهانی معرفی نماید. از ۱۹۷۹ و با تأسیس فدراسیون‌های ورزشی چین و عضویت این کشور در کمیته بین‌المللی المپیک، تایوان تنها می‌توانست با نام «تایپه» در مسابقات المپیک حاضر شود و این موضوع شکستی بزرگ برای دولت ملی‌گرای	چین
---	------------

1-Kung fu

کومیتانگ و مشروعیت بخشیدن به چین بود.

ورزش به عنوان ابزاری تسهیل کننده با سایر کشورها به ویژه ایالات متحده، کره جنوبی و ژاپن؛ وضعیت وخیم امنیتی چینی ها در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی و تهدید شوروی از یک سو و گرفتاری آمریکایی ها در جنگ ویتنام سبب شد تا چینی ها با تغییر نگرش خود از موقعیت استفاده و از مشاورین نظامی خود با مطرح کردن دیپلماسی پینگ پنگ درهای خود را به روی آمریکایی باز و آن ها نیز از این موضوع استقبال تا خطر قدرت گرفتن شوروی کم رنگ گردد. چینی ها در این زمان با مطرح کردن شخصیت بروسلی و نمایش فیلم های «مشت خشم» و «رییس بزرگ» در سینمای هنگ کنگ توانست از قدرت ورزش به ویژه ورزش های رزمی و شمشیربازی برای تقویت قدرت خود در فضای چنگ سرد استفاده نماید.

چینی ها در اولین حضور خود در بازی های آسیایی ۱۹۷۴ تهران توانستند مقام سوم را به دست آورند و در بازی های المپیک ۱۹۸۴ لس آنجلس نیز با اعزام ۲۱۶ ورزشکار و کسب ۳۲ مدال بر جایگاه چهارم تکیه که موجبات تغییر نگرش مردمان جهان به این کشور شد. پکن میزبانی بازی های المپیک ۲۰۰۰ را تنها با اختلاف ۲ رأی به سیدنی واگذار کرد اما ۸ سال بعد توانست المپیک ۲۰۰۸ پکن را با شعار «المپیک سبز، المپیک انسانی و المپیک علمی» در زمان ریاست جمهوری هوجین تائو با شکوه هرچه بیشتر برگزار تا جایی که این دوره

از بازی‌های المپیک را المپیک قرن نامیدند.	
به منظور بررسی جایگاه ورزش در روسیه در ابتدا بایستی به انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ بازگشت جایی که موجبات پیوند ناگسستنی ورزش با حکومت شوروی را فراهم کرد؛ در آن دوران کمیته ملی المپیک شوروی نهادی حکومتی بود که کمیته ورزش شوروی اعضای آن را انتخاب و یکی از اعضای حزب کمونیست آن را اداره می‌کرد. به‌صورت کلی کارکردهای پنج‌گانه ورزش در حکومت شوروی عبارت‌اند از: ارتقا روابط با جامیان شوروی، همکاری با گروه‌های موافق خارجی و تضعیف قدرت بورژوازی و سوسیال دموکراسی ترویج روابط همسایگی مناسب با دولت‌های هم‌مرز با شوروی به دلایل استراتژیک جلب حمایت از شوروی و سیاست‌های آن در میان کشورهای در حال توسعه آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین حفظ و اتحاد جماهیر سوسیالیستی و وضعیت سرآمدی آن به دست آوردن موفقیت‌های ورزشی در محیط بین‌المللی به‌عنوان یک دولت-ملت به‌ویژه از طریق المپیک برای تقویت شوروی در خارج از مرزهای کمونیستی	روسیه

پس از فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱، روسیه به عنوان میراث دار اصلی آن تلاش کرد تا با انتخاب پوتین در ۱۹۹۹ نگرش نظامی گذشته خود را تغییر و از قدرت نرم به عنوان ابزاری برای حفظ موقعیت ژئوپلیتیک خود در هزاره جدید استفاده نماید؛ تلاش‌های پوتین به کسب میزبانی رویدادهای ورزشی طی دو دهه زمامداری در میزبانی المپیک زمستانی ۲۰۱۴ و جام جهانی فوتبال در ۲۰۱۸ موجبات معرفی روسیه به عنوان کشوری متمایز از شوروی سابق گردیده است.	
---	--

بحث و نتیجه‌گیری

در ازدحام سازمان‌های غیردولتی (NGOs)، شرکت‌های چندملیتی (MNCs) و سازمان‌های بین‌حکومتی (IGOs) هزاره سوم، ورزش را می‌توان افیون سیاسی و یک نمایش فرا دیپلماتیک در نظر گرفت. امروزه دیپلماسی ورزشی توانسته است خود را به عنوان یک آغازگر، تقویت‌کننده و شتاب‌دهنده در روابط بین‌الملل کشورهای مختلف معرفی نماید؛ با نگاهی به عملکرد سایر کشورهای جهان به خوبی می‌توان کشورهای نظیر برزیل، روسیه و چین را کشورهای هدفمند در میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی و توسعه اقتصاد سیاسی خود از این مسیر نام برد؛ در یکی از یادداشت‌ها به نکته خوبی در این باره اشاره نمود (شریعتی، ۱۳۹۴، ص: ۱۱۳):

«ورزش بر مبنای منشور المپیک که همه دنیا قبولش دارند یک زبان نافذ و یک حرکت تأثیرگذار بر جوامع است. چیزی که در حوزه‌های دیگر کمتر است. نقش آن‌ها در روابط بین

کشورها و رساندن صدای ملت‌ها به یکدیگر دارد در هیچ یک از حوزه‌های سیاست، اقتصادی و ... وجود ندارد. شاید هنر پس از ورزش باشد ولی گستردگی مخاطب جهانی ورزش و اهمیت آن برای مردم جهان ویژگی خاص آن است».

در بعد سیاسی می‌توان گفت تا پیش از جنگ جهانی دوم ورزش به‌عنوان یک سرگرمی و به‌عنوان ابزاری در دست حکومت‌ها صرفاً به‌منظور نشان دادن قدرت و برتری مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ حتی ورای ادعای عامیانه تشکیل بازی‌های المپیک نوین مبنی بر ایجاد صلح و وحدت، می‌توان ریشه‌های توسعه قدرت و اقتدار^۱ فرانسوی‌ها را دید. هیتلر در بازی‌های المپیک تابستانی ۱۹۳۶ و موسولینی در جام جهانی ۱۹۳۴ فوتبال، ورزش را دستمایه تثبیت و نمایش قدرت حکومت‌های خود به جهانیان قرار دادند. هیتلر در پس اندیشه ضدیهود خود، همواره به دنبال آن بود تا انتقام خود را از یهودیان به نوعی گرفته و ورزش بهترین فرصت را برای وی فراهم کرد تا جایی که او در بازی‌های المپیک ۱۹۳۶ اجازه حضور هیچ ورزشکار یهودی را در ترکیب تیم‌های ملی ژرمن‌ها نداد و این موضوع سبب شد تا آن بازی‌ها به‌عنوان «المپیک هیتلر» و نه «المپیک برلین» بر پیکره بازی‌های المپیک نقش بندد (خیری و شریعتی، ۱۳۹۴، ص: ۲۱). شاید مفهوم «ورزش سیاسی» بهترین تعبیر ورزش بین‌المللی در آن زمان بود چرا که تا بعد از جنگ جهانی دوم ورزش به‌عنوان ابزاری دون مباحث بین‌المللی و صرفاً به‌منظور نمایش قدرت کشورها در آن زمان بود.

۱- مفاهیم قدرت و اقتدار به لحاظ واژه‌شناسی سیاسی متفاوت و منفک از یکدیگر هستند. اقتدار به وجه و تصویر بین‌المللی یک کشور گفته می‌شود حال آنکه قدرت میزان نیروی داخلی یک حکومت است.

پس از جنگ جهانی دوم و به دنبال اولین پخش زنده تلویزیونی در بازی‌های المپیک ۱۹۶۰ رم، در کنار مطرح شدن مفاهیمی مانند قدرت نرم، دیپلماسی نوین و دیپلماسی عمومی، ورزش به تدریج به عنوان ابزاری کارآمد و قابل انعطاف در سیاست خارجه زمینه‌ساز «از سرگیری» روابط میان دولت‌ها گردید (مورای و پیگمن، ۲۰۱۴، ص: ۱۱۲۰). نمونه بارز و تاریخی این اتفاق را می‌توان در آوریل ۱۹۷۱ و به آنچه بعدها به عنوان دیپلماسی پینگ‌پنگ نام گرفت مشاهده کرد؛ این ملاقات تاریخی را ابتدا کمیته ملی غیرانتفاعی ایالات متحده پیشنهاد داد پس از ملاقات بازیکن آمریکایی گلن کووان^۱ با قهرمان ۳ دوره مسابقات پینگ‌پنگ جهان یعنی ژوانگ زدونگ^۲ که در مارس ۱۹۷۱ در شهر ناگویای ژاپن صورت گرفت. بعدها این پیشنهاد توسط حکومت‌های مائو^۳ و نیکسون^۴ به عنوان ابزاری برای سنجش از بین بردن سردی روابط میان چین و ایالات متحده استفاده گردید. دیپلماسی پینگ‌پنگ در واقع راه را برای ملاقات مشاور دبیر ملی ایالات متحده آمریکا^۵ و بازدید او از چین و بعدها بازدید رئیس جمهور نیکسون در سال ۱۹۷۲ هموار نمود (پیگمن و مورای، ۲۰۱۴، ص: ۱۱۲۳). گریکس و هولیهان (۲۰۱۳) و پیگمن و مورای (۲۰۱۴) تعبیر جالبی از این اتفاق تاریخی دارند؛ از نظر آن‌ها دیپلماسی پینگ‌پنگ در سال ۱۹۷۱ نقش «ذوب کننده یخ» روابط میان چین و ایالات متحده را داشت.

1-Glen Cowan

2-Zhuang Zedong

3-Mao

4- Nixon

5- Kissinger

6- Ice Breaking

دیپلماسی ورزش در عصر جدید در ابتدا توسط سازمان‌ها و رقبای غیررسمی کشورهای پیشرفته صورت می‌گیرد و سپس در حکومت‌های رسمی پذیرفته می‌شود (صباحیان، ۱۳۹۴، ص: ۱۴۰). پس از پشت سر گذاشتن دوره جنگ سرد، سرمایه‌گذاری کشورهای در حال توسعه مانند برزیل، هند، چین و آفریقای جنوبی (بریک) برای کسب میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی در کنار تصاحب کرسی‌ها و صندلی‌های بین‌المللی به عنوان یکی از منابع قدرت غیرملموس آن‌ها در حال افزایش است. این کشورها از ورزش به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف خود در عرصه بین‌الملل و تغییر ماهیت نظامی روابط خود استفاده می‌نمایند (اندرسون^۱، ۲۰۱۷، ص: ۵۵). شریعتی (۱۳۹۴) می‌نویسد:

«یکی از مصاحبه شوندگان با مقایسه رویدادهای ورزشی و غیرورزشی به نکته خوبی در این زمینه اشاره کرد؛ نگاه کشورهای پیشرفته دنیا و هزینه‌های کلان آن‌ها برای کسب این کرسی‌ها و میزبانی رقابت‌های بین‌المللی ناباورانه است. شما در یک رقابت بین‌المللی در کوتاه‌ترین زمان به بسیاری از اهداف اقتصادی، سیاسی و ... خواهید رسید. در حالی که رویدادهای غیر ورزشی این چنین نیست».

در میان کشورهای مختلف دیپلماسی ورزشی حسب جغرافیایست آن‌ها، کنش‌ها و کارکردهای متفاوتی وجود دارد؛ میزان حمایت دولت‌ها در کشورهایی مانند برزیل، بریتانیا، ایالات متحده، ژاپن، کانادا و استرالیا در مقایسه با کشورهایی مانند کوبا، هند، کره شمالی یا حتی پاکستان کاملاً متفاوت است. به تعبیری می‌توان گفت کشورهای فراصنعتی، با اقتصاد در حال

1- Anderson

توسعه و خوش‌نام در عرصه بین‌الملل از ورزش به‌عنوان ابزاری تهاجمی، آورنده اقتدار و در نهایت تثبیت‌کننده یا بهبود دهنده وضعیت اقتصادی خود استفاده می‌نمایند. در حالی که سایر کشورها از این پدیده به‌عنوان درمانی موقت برای زخم‌های حکومتی خود استفاده می‌نمایند؛ به‌عنوان نمونه در اوایل سال ۲۰۱۳، دنیس رودمن^۱ (ستاره سابق انجمن بسکتبال ملی ایالات‌متحده) سفری را به کره شمالی داشت و در آنجا با کیم جونگ اون^۲ رهبر کره شمالی دیدار و با یکدیگر به تماشای مسابقه بسکتبال پرداختند. کیم که از طرفداری رشته بسکتبال و تیم شیکاگو بولز^۳ است، پیش از این نیز توسط مایکل جردن به دلیل طرفداری از تیم او، مورد تحسین قرار گرفته بود و وی از این طریق توانست به مردم کشور خود نشان دهد که او به‌عنوان یک رهبر می‌تواند حتی با کشورهایی که با کره شمالی رابطه چندان خوبی ندارند نیز ارتباط برقرار نماید (جکسون، ۲۰۱۳، ص: ۲۷۸).

نمونه‌های بارز این موضوع را می‌توان مانند آنچه برای کشور آلمان (داستان هولوکاست)، آفریقای جنوبی (آپارتاید)، هند (ناعدالتی و فقر) و قطر (موضوعات حقوق بشری) اتفاق افتاد و آن‌ها از طریق کسب میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی دید جهانیان را نسبت به خود عوض کردند. کشورهای نوظهور مانند قطر (با جمعیتی حدود ۲ میلیون و دویست هزار نفر) (جام جهانی ۲۰۲۲ فوتبال) یا بحرین (با جمعیت یک و نیم میلیون) (فرمول یک ۲۰۱۵) نیز تلاش دارند تا با استفاده از ورزش جایگاهی را برای خود بر روی نقشه جهانی پیدا نمایند (ندلوو^۴، ۲۰۱۰، ص:

1- Dennis Rodman

2- Kim Jung -Un

3- Chicago Bulls

4- Ndlovu

۱۵۰). این دو کشور در حال توسعه^۱ تلاش دارند تا با هزینه‌ای گزاف از ورزش به عنوان ابزاری برای کسب پرستیژ بین‌المللی، هویت‌سازی و سکویی برای عرضه خود به جامعه جهانی استفاده نمایند.

آمریکایی‌ها به رقم قدمت کمتر از ۳ قرن، به‌خوبی توانسته‌اند خود را به عنوان ابرقدرت جنگ نرم معرفی نمایند؛ ستارگان سینمایی و هالیوودی مانند چارلی چاپلین و مدنا، مارک‌های ورزشی معروف این کشور مانند نایک، قهرمانان ورزشی چون مایکل جردن و شخصیت‌های کارتون‌ی جذابی چون میکی ماوس و داندل داک به عنوان منابع بارز قدرت نرم آمریکا از زمان جنگ جهانی اول تاکنون بوده است. سیاستمداران این کشور پس از حادثه ۱۱ سپتامبر از ورزش به عنوان راهی کم‌هزینه، جذاب و پرمخاطب برای جذب مسلمانان آفریقایی و خاورمیانه استفاده کرد تا از این طریق علاوه بر تقویت تصویر خود به عنوان کشوری «چندملیتی آرام» در عرصه جهانی، احتمال خطرات آشوب آفرین و تروریستی را در کشور خود کاهش دهند. نمونه اخیر این موضوع را می‌توان شرکت جان کری (وزیر خارجه ایالات متحده) در بین زنان فوتبالیست افغان مشاهده نمود. این کشور برنامه‌ای دارد تا از ورزش در جهت پیشبرد اهداف سیاسی خود استفاده

۱- در ادبیات اقتصادی میان دو مفهوم رشد و توسعه تفاوت وجود دارد؛ بعنوان نمونه عربستان با داشتن صنایع نفتی بعنوان تنها منبع مالی استراتژیک خود یک کشور رشد یافته به حساب می‌آید در حالیکه کشوری مانند نروژ با توجه به تعدد و گوناگونی منابع مالی خود یک کشور توسعه یافته است.

نماید و نام این برنامه ایالات رشته‌های ورزشی^۱ است که به ۳ شیوه عمل می‌نماید (جکسون، ۲۰۱۳، ص: ۲۷۷):

برنامه ملاقات کنندگان رشته‌های ورزشی

(۲) برنامه نماینده سیاسی رشته‌های ورزشی

(۳) کمک هزینه رشته‌های ورزشی

چینی‌ها و برزیلی‌ها را می‌توان طلایه‌داران و پیشگامان استفاده از دیپلماسی ورزش در توسعه چندجانبه و پایدار کشورهای خود نامید. چینی‌ها به رغم سم‌پاشی رسانه‌های غربی به ویژه شبکه‌های خبری بریتانیایی (بی.بی.سی) توانستند با نمایش خارق‌العاده در برگزاری موفق بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن، بار دیگر خود را به‌عنوان قطب جدید اقتصاد سیاسی جهان تثبیت نمایند.

در ابتدای هزاره سوم چینی‌ها انتخاب سیدنی به‌جای پکن را برای برگزاری بازی‌های المپیک ۲۰۰۰ را به منزله خودداری از به رسمیت شناختن موقعیت جهانی جدیدشان تلقی کردند. این توهین را سپرده شدن بازی‌های سال ۲۰۰۸ به چین که به منزله تأیید جایگاه بازیافته چین به عنوان یک قدرت بزرگ تعبیر شد، جبران نمود (ردکر^۲، ۲۰۰۸، ص: ۴۹۴). پس از شکست پکن در کسب میزبانی بازی‌های المپیک ۲۰۰۰ سیدنی که به دلیل تمرکز دولت وقت بر ابعاد بومی از قبیل

1- Sports United States
2- Redeker

زیرساخت‌های شهر میزبان، رشد اقتصاد بومی و توسعه ورزش داشته و کمتر به فرصت‌های دیپلماتیک بود، حال پس از پوست‌اندازی و به روی کار آمدن دولت جوان در چین، ورزش نه تنها برای آنان به عنوان کسب و کار، تفریح و سرگرمی به حساب می‌آید بلکه به عنوان پروژه‌ای با هدف ملی طرح‌ریزی گردیده است. در این بین دولت جدید این کشور از بازی‌های ۲۰۰۸ پکن نه تنها در ابعاد مالی و سیاسی از ورزش حمایت نمود بلکه یکی از اهداف مهم آن از کسب میزبانی بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن کمک به موفقیت خود در اجلاس جهانی اکسپو^۱ در سال ۲۰۱۰ بود (لی^۲، ۲۰۱۳، ص: ۱۷۲۵). در نقطه دیگری از جهان استرالیا توانست تصویری جدید از خود در اذهان مردمان جهان برجای گذارد؛ «ملت ورزشی»^۳ یکی از تصاویر بودی که استرالیا پیش، در خلال و بعد از بازی‌های المپیک از خود برجای گذاشت. بنا به گزارش کمیسیون گردشگری استرالیا، نتیجه المپیک موفق ۲۰۰۰ برای استرالیا بهبود تصویر ملی استرالیا به اندازه ۱۰ سال بود که این خود نشان‌دهنده «مدیریت تصویر»^۴ صحیح توسط برگزارکنندگان این مسابقات بود (گریکس و هولیهان، ۲۰۱۴، ص: ۵۷۵).

پرواضح است که کشورهای قدرتمند در عرصه اقتصاد به‌خوبی از ورزش و اهرم دیپلماسی ورزش به‌عنوان یک برنامه هدفمند، طولانی مدت و کاملاً اجرایی در توسعه روابط بین‌الملل خود با سایر کشورها استفاده می‌نمایند. میزبانی‌های متعدد و متنوع رویدادهای چند و تک‌رشته‌ای آن‌ها در دو دهه گذشته نشان‌دهنده تغییر نگرش جامعه جهانی به ورزش است. اتفاقی که به‌عنوان یک

1- EXPO

2- Li

3- Sporting Nation

4- Image Management

بازی دو سر برد از یک سو ضمن معرفی شهر/کشور میزبان به جامعه جهانی به عنوان کشوری مدرن، توسعه یافته و با اقتدار سیاسی و از سوی دیگر با ایجاد و تقویت زیرساخت های لازم طی پروسه ای ۱۳ ساله مانند میزبانی بازی های المپیک تابستانی، همای سعادت را برای مردمان میزبان بازی ها به همراه می آورد.

با نگاهی کوتاه به جغرافیای ایران به خوبی متوجه می شویم جغرافیای سیاسی ایران وابسته به عواملی چون انسان، فرهنگ، حکومت، حاکمیت و ... وضعیت یکسانی نداشته و در هر عصر و زمانی پذیرای تحول و تطور گردیده است. در طول تاریخ پرفراز و نشیب کشور ما گاهی این دو موقعیت جغرافیایی برهم منطبق بوده اند، در چنین مواردی دورانی از ثبات و قدرت را در تاریخ ایران شاهد هستیم. حال آنکه در اکثر سال ها به دلایل مختلفی از جمله آشوب های داخلی، دخالت دولت های بیگانه و ... این دو مقوله از یکدیگر جدا بوده اند.

در استفاده از فعالیت های ورزشی به عنوان فعالیتی سیاسی می توان گفت چه قبل و چه پس از انقلاب سازوکارهای ما شکلی منفعلانه داشته و در حقیقت پیچیدگی سیاست خارجه ما موجبات قربانی شدن دیپلماسی عمومی به شکل عام و دیپلماسی ورزشی به شکل خاص در عرصه بین الملل گردیده است. شاید نقطه درخشان ورزش ایران پیش از انقلاب را بتوان میزبانی بازی های آسیایی ۱۹۷۴ تهران دانست؛ بازی های آسیایی ۱۹۷۴ در حالی در تهران برگزار گردید که ۲۲۵ نماینده رسانه ای از ۹۷ آژانس خبری سه قاره جهان این بازی ها را پوشش رسانه ای دادند. امیرتاش (۲۰۰۵، ص: ۴۷۱) به دلیل آمادگی فوق العاده شهر میزبان (تهران)، فناوری پیشرفته،

اقدامات امنیتی دقیق و سازمان‌دهی مناسب در کنار روابط سیاسی - اجتماعی مناسب، این بازی‌ها را همواره در خاطر مردم آسیا گزارش می‌کند.

ایرانی‌ها در اولین سال‌های پس از انقلاب (۱۹۷۹) (۱۳۵۷) و در بحبوحه جنگ سرد با الگو قرار دادن دکترین سیاست خارجی و شعار رهبر کبیر انقلاب «نه شرقی نه غربی» بازی‌های المپیک ۱۹۸۰ مسکو و ۱۹۸۴ لس‌آنجلس را با شعار ساده «ما بازی نمی‌کنیم» تحریم نمودند (شهابی، ۱۳۸۸، ص: ۲۰) که این موضوع تا به امروز در بین تمام کشورهای عضو کمیته بین‌المللی المپیک، منحصر به فرد بود؛ ایران تنها کشور جهان است که هر دو دوره این بازی‌ها را تحریم نموده است. این موضوع خود نشان‌دهنده بخشی از تلاطم، آشوب و بی‌برنامگی در آن زمان است. این انزوای ۸ ساله در کنار ادبیات تحریم و ترور غرب، خود بستری را برای انزوای روز افزون ج.ا.ا فراهم می‌نمود.

اواخر دهه ۶۰ شمسی و با شروع جنگ تحمیلی (۱۳۵۹) توسط رژیم غاصب صدام، نه تنها ورزش بلکه مجموعه سیستم روابط خارجه ج.ا.ا همانند سایر اجزا و بخش‌های کشور صرفاً به دنبال مقاومت نظامی در برابر دشمن متخاصم بودند. کارکرد وطن‌پرستی و میهن‌دوستی ورزش را در آن زمان را می‌توان به‌خوبی در میان ورزشکاران ایرانی مشاهده نمود: «در بازی‌های ۱۹۸۲ دهلی نو کشتی‌گیر ایران پس از پیروزی بر حریف عراقی و در اوج جنگ تحمیلی بر روی سینه وی به نشانه پیروزی نشست.»

در دوران سازندگی و سال‌های اولیه پس از جنگ، سازمان‌های بین‌المللی ورزشی بزرگ پیشنهاد میانجیگری در از سرگیری روابط و کنار گذاردن دشمنی‌ها میان ج.ا.ا و غرب به‌ویژه

ایالات متحده را دادند که با توجه به جنایت هولناک^۱ آمریکایی‌ها در آن زمان و تصویر مخوف آن‌ها در اذهان مردم ایران، این موضوع به هیچ عنوان در دستور کار تصمیم گیران سیاسی وقت ج.ا.ا نبود:

«سامارانش در سال ۶۷ اعلام نمود که حاضر است در رابطه با روابط ایران و آمریکا نقش مرتبط را بازی کند و حتی پیشنهاد کرد که ترتیب ملاقات نماینده ایران با رئیس جمهور آمریکا را بدهد. طبعاً این امر در دستور کار سیاست خارجی ایران نبود و به همین دلیل پاسخ منفی به ایشان داده شد».

اگرچه در همین سال‌ها و پس از حضور ج.ا.ا در بازی‌های المپیک ۱۹۸۸ سئول، عسگری محمدیان به عنوان آخرین کشتی گیر ایرانی که هم‌زمان در فرنگی و آزاد کشتی گرفته بود، در فینال مسابقات کشتی و در حضور ده‌ها دوربین خبری پس از شکست از بلاگازوف روس، با حرکتی خارق‌العاده تصویر بین‌المللی ایران را تا حدودی در میان تماشاگران حاضر بهبود بخشید:

«عسگری محمدیان بلاگازوف را روی دوش ۷ دور در سالن چرخاند. تلویزیون کره این تصویر را لید خبر ورزشی خود گذاشته بود و آن‌ها به عنوان اصل ورزش معرفی کرده بود. اگرچه ایران تنها یک مدال در آن مسابقات به دست آورده بود. بعدها در المپیک سیدنی به واسطه کار عسگری محمدیان برای او دست می‌زدند».

۱- به عنوان نمونه در یکی از بزرگترین فجایع تاریخ پرواز، در دوازدهم تیرماه ۱۳۶۷ هواپیمای مسافری شماره ۶۵۵ بر فراز خلیج فارس توسط ناو وینسنس ایالات متحده سرنگون و تمامی ۲۹۰ سرنشین آن (۲۴۴ ایرانی و ۴۶ خارجی) جان باختند. آمریکایی‌ها هیچ وقت بابت این جنایت هولناک از دولت ایران عذرخواهی نکردند.

انتخاب سید محمد خاتمی (۱۳۷۶) (۱۹۹۷) با دگردیسی و پوست‌اندازی ورزش ایران در عرصه بین‌الملل همراه بود. او با مطرح نمودن گفتگوی تمدن‌ها موجبات ایجاد و تقویت روابط فرد به فرد ایرانی‌ها با غرب به ویژه ایالات متحده را فراهم آورد. وی با ارائه بدعتی نوین در روابط بین‌الملل، مردم دو کشور را حامی اصلی از بین بردن خصومت‌ها نامید (مارکس^۱، ۱۹۹۹، ص: ۵۴۸). در این زمان بود که تعدادی از سازمان‌های بزرگ دولتی و غیردولتی ایالات متحده به دعوت وی برای گفتمان سازی «چراغ سبز» نشان دادند. مارکس (۱۹۹۹) روزنامه‌نگار و گزارشگر آمریکایی که تیم ملی کشتی ایالات متحده را برای مسابقات جام جهانی کشتی در سال ۱۹۹۸ تهران همراهی می‌نمود ضمن تمجید از ایرانی‌ها به عنوان مردمانی مهربان می‌نویسد:

«این اولین بار بود که نه تنها یک تیم بلکه یک هیئت آمریکایی پس از سال ۱۹۷۹ وارد ایران می‌شد. در حین ورود به سالن همه شعار (خاتمی-خاتمی) سر می‌دادند در حالی که ناطق نوری نامزد شکست‌خورده انتخابات نیز در سالن حضور داشت. در ابتدای ورود کشتی گیران آمریکایی به سالن ناگاه متوجه شدم که شعار آن‌ها تغییر و سرتاسر سالن به تشویق کشتی گیران آمریکایی می‌پردازند؛ آنجا بود که متوجه شدم ورزش تنها عرصه‌ای است که مردمان یک کشور می‌توانند به راحتی عقیده خود را نسبت به مردمان کشور دیگر ابراز دارند.»

مطبوعات مسابقه کشتی فوریه ۱۹۹۸ را «دیپلماسی کشتی» نامیدند؛ پرچم ایالات متحده که پیش از این در ایران سوزانده می‌شد، این بار توسط ورزشکاران تنومند این دو کشور حمل می‌شد. در دست گرفتن تصویر مقام معظم رهبری توسط داگلاس کشتی آمریکایی در حضور ده‌ها

دوربین خبری و سیزده هزار تماشاگر حاضر در سالن پیامی بزرگ برای مردمان جهان و به شکل خاص مردمان دو کشور داشت، پیامی که در دولت هفتم و هشتم بارها و بارها تقویت گردید. چند ماه پس از این بازی‌ها و در مرحله انتخابی مسابقات جام جهانی فوتبال ۱۹۹۸ فرانسه، فوتبال‌بست‌های ایرانی توانستند پس از ۲۰ سال (بعد از جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین) و برای اولین بار پس از انقلاب اسلامی به بزرگ‌ترین رویداد ورزشی تک رشته‌ای جهان راه پیدا نمایند (شریعتی، ۱۳۹۴، ص: ۳۳).

ساختار دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران با کمبود نمایندگان ایرانی در کرسی‌های اثرگذار بین‌المللی ورزشی روبرو است؛ یکی از متخصصین در این زمینه تعداد ۲۰۰ کرسی را در نهادها و سازمان‌های ورزشی منطقه‌ای، قاره‌ای و بین‌المللی برای مسئولین ایرانی گزارش، حال آنکه وی تعداد کرسی‌های مؤثر را به اندازه تعداد انگشتان یک دست گزارش کرد (شریعتی و گودرزی، ۱۳۹۴، ص: ۱۲۰). با بررسی ساختار سازمانی فدراسیون‌های جهانی سه رشته مدال‌آور ایران در بازی‌های آسیایی و المپیک (کشتی، تکواندو و وزنه‌برداری) مشاهده می‌کنیم که در رشته وزنه‌برداری تنها یک نماینده آن هم نه در سطوح فوقانی فدراسیون جهانی (رییس، نواب رییس، دبیرکل، روسای کمیسیون‌ها و ...) بلکه تنها به‌عنوان عضو یکی از کمیسیون‌ها داریم. از سوی دیگر در این ساختار افرادی با ملیت‌هایی که هیچ‌گاه وزنه‌برداران آن‌ها حتی در المپیک نیز وزنه نزدند، مشاهده می‌گردد (خیری و همکاران، ۱۳۹۴، ص: ۶). به‌عنوان نمونه رییس کمیسیون مقررات فدراسیون جهانی از اردن یا رییس کمیسیون آموزش و توسعه از سیرالئون! که خود بیش از پیش نشان‌دهنده اهمیت و زدوبندهای سیاسی برای کسب این نوع

صندلی‌ها است. فدراسیون تکواندو دیگر فدراسیون مدال‌آور ما در بازی‌های المپیک است که بارها در میادین قاره‌ای و جهانی شایستگی خود را اثبات کرده است. به رغم حضور ما در رده دوم رتبه‌بندی جهانی این رشته، ما در هیچ یک از سطوح و کمیته‌های این فدراسیون نماینده‌ای نداریم که این موضوع خود جای تعجب فراوان دارد؛ به عنوان نمونه کشورهایی مانند هنگ کنگ در این فدراسیون دارای نماینده در کمیسیون‌های مختلف است در حالی که ما در کرسی‌های این رشته نیز همانند سایر رشته‌های ورزشی گمنام هستیم. در رشته کشتی به عنوان پر مدال‌ترین رشته المپیک در حالی که قهرمانی (فرنگی) و نایب قهرمانی (آزاد) جهان در سال ۲۰۱۴ را در کارنامه خود داریم، اگرچه وضعیت بهتر و در کمیسیون‌های فدراسیون بین‌المللی کشتی نمایندگان متعددی داریم (در کمیسیون‌های ورزشکاران، مربیان، کشتی ساحلی، تالار مشاهیر، فنی، علمی، پزشکی، رسانه و قانون‌گذاری) اما هنوز هیچ ایرانی عضو سطوح فوقانی (رییس، نواب رییس، کمیته اجرایی، خزانه‌دار، روسای شوراهای قاره‌ای) این فدراسیون نیست. یکی از متخصصین که خود سال‌ها در مسند ریاست فدراسیون ملی و عضویت در کنفدراسیون قاره‌ای حضوری فعال دارد، در این باره به نکته خوبی اشاره کرد:

کسب کرسی‌های بین‌المللی در عرصه ورزش یک موضوع مهم و ملی است و نیازمند همکاری کمیته‌های ملی المپیک و پارالمپیک، وزارت ورزش و جوانان و وزارت امور خارجه است. ما نیاز داریم در ابتدا هزینه‌هایی را برای به دست آوردن کرسی‌ها بپردازیم اما در ادامه و بعد از به دست آوردن آن کرسی، دیگر نیازی به هزینه کردن نیست. وی در ادامه گفت:

«در دنیا انتخابات فدراسیون‌ها تمام تعاملی است. به عنوان مثال من در رأی گیری غرب آسیا به دلیل شرکت ۱۲ کشور عرب شرکت نکردم چرا که آن‌ها در نهایت به خودشان رأی می دادند. در دوره جدید آن‌ها برای اینکه انتخابات غرب آسیا باشد و نه انتخابات اعراب شرط من را پذیرفتند. شرط من این بود که ریاست را به ایران بدهند.»

به نظر می‌رسد پس از گذشت قریب به ۴ دهه از انقلاب شکوهمند اسلامی، سیاستمداران عرصه روابط دیپلماتیک کشور ما برخلاف سایر کشورها مانند برزیل، روسیه، چین و حتی کشور مجاور ترکیه همچنان «ادراک ورزشی» مناسبی از قدرت دیپلماتیک ورزشکاران، داوران، مربیان و به طور کلی سازمان‌های ورزشی ما ندارند و هنوز به رغم استفاده ابزاری و غیرمستقیم سایر کشورها از ورزش برای رساندن پیام خود به جامعه جهانی، این موضوع در دستگاه دیپلماتیک کشور ما مورد بی توجهی قرار گرفته است. از یک سو نبود ارتباط میان دو بخش روابط بین الملل و ورزش و از سوی دیگر دید «حیات خلوت» به ورزش در بین تصمیم گیران حوزه دیپلماتیک کشور موجبات از دست رفتن فرصت‌های کم هزینه دیپلماتیک می‌شود. نبود یا نداشتن ضمانت اجرایی مناسب برای داشتن یک استراتژی کلان و یک تلاش دیپلماتیک هم افزا (و نه جرقه ای) در وزارت خارجه ج.ا.ا سبب شده تا ورزش نیز همانند سایر ابعاد دیپلماسی عمومی مغفول مانده و نتواند خود را به عنوان اهرمی سیاسی-اقتصادی برای رسیدن به اهداف عالیه نظام مطرح نماید. در فضای پرفشار پساتحریم دولت ایالات متحده و در رأس آن رئیس جمهور ترامپ ورزش ایران می‌تواند به عنوان اهرمی برای تسهیل و تقویت روابط با سایر کشورها از جمله کشورهای همسایه و اروپایی مورد استفاده قرار گیرد تا علاوه بر تقویت تعاملات ورزشی در عرصه بین الملل، ایران

را به عنوان کشوری باز و با پتانسیل بالا در جهت توسعه گفتگو و پایداری به جهانیان معرفی نماید.

منابع فارسی

احمدی پور، زهرا، جنیدی، رضا، بویه، چمران و حسینی دماهی، سعادت. (۱۳۹۲). مفهوم سازی ژئوپلیتیک ورزش. *فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک*، شماره ۳۰، صص: ۳۷-۲۳

باران چشمه، مهر علی و مجتبی. (۱۳۹۶). *ورزش بین الملل نظامیان (سیزم)*؛ انتشارات نیروهای مسلح خبیری، محمد و شریعتی، مهدی. (۱۳۹۵). *سپتامبر سیاه؛ ورزش و تروریسم بین الملل*، انتشارات تیک تاک

خبیری، محمد. (۱۳۹۶). جایگاه ورزش در دیپلماسی عمومی، طرح پژوهشی مرکز مطالعات و پژوهش های وزارت ورزش و جوانان

خبیری، محمد، سجادی، نصراله، علیدوست، ابراهیم و شریعتی فیض آبادی، مهدی. (۱۳۹۴). *جنبش المپیک یا جنبش دیپلماتیک*، نشر تیک تاک

دهقانی فیروز آبادی، جلال. (۱۳۹۲). *سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران*، سمت، تهران، ایران

سجادی، نصرالله. (۱۳۹۳). *ورزش و روابط بین الملل*. انتشارات حتمی، تهران، ایران

شریعتی فیض آبادی، مهدی و گودرزی، محمود. (۱۳۹۴). جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین الملل جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا، *دو فصلنامه دانش سیاسی*، سال یازدهم، شماره دوم، صص: ۹۵-۱۲۷

شریعتی فیض آبادی، مهدی و ناظمی، مازیار. (۱۳۹۶). طراحی مفاهیم فرهنگ صلح ساز ورزش در توسعه روابط بین الملل (مطالعه موردی طرح ویو جهان عاری از خشونت و افراطی گری ریاست جمهور ایران)، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ششم، شماره ۲۴، صص: ۱۸۸-۱۶۳

شریعتی فیض آبادی، مهدی. (۱۳۹۴). طراحی مؤلفه های شکل دهنده دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکترا/دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران

شریعتی فیض آبادی، مهدی، باقری، یوسف و نظریان، عباس. (۱۳۹۵). مدل سازی نرم مؤلفه های دیپلماسی ورزش، نشریه مدیریت ورزشی، دوره ۸، شماره ۵، ۲۲: ۷۹۷-۸۲۱

شهابی، هوشنگ. (۱۳۸۸). دیپلماسی ورزشی بین ایالات متحده و ایران، فصلنامه گفتگو، شماره ۴۲، صص: ۷-۲۴

صباغیان، علی. (۱۳۹۴). دیپلماسی ورزشی، نشریه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، شماره ۳۱، صص: ۱۳۱-۱۵۱

گیاه شناس، جواد. (۱۳۹۲). دیپلماسی ورزشی و فرصت های پیش رو، ماهنامه صنعت و توسعه، شماره ۶۷، ص: ۷۶

منابع انگلیسی

Amirtash, A. M. (2005). Iran and the Asian games: The largest sports event in the Middle East. Sport in Society, 8(3), 449-467.

Anderson, P. H. (2017). Quantifying the Value of Sport Diplomacy to Non-State Actors (Doctoral dissertation, University of Oregon).

Castro, A. S. (2013). South Africa's Engagement in Sports Diplomacy: The Successful Hosting of the 2010 FIFA World Cup. *The Hague Journal of Diplomacy*, 8(3-4), 197-210.

Cha, V. (2013). The Asian Games and Diplomacy in Asia: Korea-China-Russia. *The International Journal of the History of Sport*, 30(10), 1176-1187.

Esherick, C. Baker, R. Jackson, S. (2017). *Case Studies in Sport Diplomacy*, FiT Publishing

Grix, J. (2013). Sport politics and the Olympics. *Political Studies Review*, 11(1), 15-25.

Grix, J., & Houlihan, B. (2014). Sports Mega-Events as Part of a Nation's Soft Power Strategy: The Cases of Germany (2006) and the UK (2012). *The British Journal of Politics & International Relations*, 16(4), 572-596.

Jackson, S. J. (2013). The contested terrain of sport diplomacy in a globalizing world. *International Area Studies Review*, 16(3), 284-274.

Li, Y. W. (2013). Public diplomacy strategies of the 2008 Beijing Olympics and the 2012 London Olympics: A comparative study. *The International Journal of the History of Sport*, 30(15), 1723-1734.

Markovits, A. S., & Rensmann, L. (2010). *Gaming the world: how sports are reshaping global politics and culture*. Princeton University Press.

Marks, J. (1999). Wrestling diplomacy scores in Iran. *Peace Review*, 11(4), 547-549.

Merkel, U. (2008). The politics of sport diplomacy and reunification in divided Korea: One nation, two countries and three flags. *International Review for the Sociology of Sport*, 43(3), 289-311.

Murray, S. (2012). The two halves of sports-diplomacy. *Diplomacy & Statecraft*, 23(3), 576-592.

Murray, S. (2013). Moving beyond the Ping-Pong table: sports diplomacy in the modern diplomatic environment. *PD Magazine*, 9, 11-16.

- Murray, S. (2013). Sports diplomacy in the Australian context: A case study of the Department of Foreign Affairs and Trade. Sports Law eJournal.
- Murray, S., & Pigman, G. A. (2014). Mapping the relationship between international sport and diplomacy. Sport in Society, 17(9), 1098-1118.
- Ndlovu, S. M. (2010). Sports as cultural diplomacy: the 2010 FIFA World Cup in South Africa's foreign policy. Soccer & Society, 11(1-2), 144-153.
- Nygård, H. M., & Gates, S. (2013). Soft power at home and abroad: Sport diplomacy, politics and peace-building. International Area Studies Review, 16(3), 235-243.
- Parrish, R. (2018). Sources and origins of EU sports policy. In Research Handbook on EU Sports Law and Policy. Edward Elgar Publishing.
- Pigman, G. A., & Rofo, J. S. (2014). Sport and Diplomacy. An Introduction. Sport in Society, 17(9), 1095-1097.
- Postlethwaite, V., & Grix, J. (2016). Beyond the acronyms: Sport diplomacy and the classification of the International Olympic Committee. Diplomacy & statecraft, 27(2), 295-313.
- Qing, L., & Richeri, G. (2010). Special Issue: Encoding the Olympics-the Beijing Olympic Games and the communication impact worldwide. International Journal of the History of Sport, 27(9/10), 1409-1716.
- Redeker, R. (2008). Sport as an opiate of international relations: The myth and illusion of sport as a tool of foreign diplomacy. Sport in Society, 11(4), 494-500.
- Rowe, D. (2018). Football, diplomacy and Australia in the Asian century. In Sport and diplomacy. Manchester University Press.
- Satterfield, L. (2013). Smart Power: Using Sports Diplomacy To Build A Global Network to Empower Women and Girls, Public Diplomacy Magazine, <http://publicdiplomacymagazine.com/wp-content/uploads/2013/02/50-51.pdf>